

نقش خرده فرهنگ‌های درون‌زا بر روند رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: شهرک

شهید باهنر مشهد)

سجاد رازقی

کارشناسی ارشد گروه برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

حسین رحیمی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مشهد، ایران

چکیده

این پژوهش با توجه به روش تحقیق ترکیبی به دنبال شناسایی و ایجاد یک ظرفیت فکری و عملکردی در این سکونتگاه شهری است تا با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری این ظرفیت‌ها بتواند در بلندمدت خرده فرهنگ‌های مخرب را به سمت تمایلات فرهنگی سازنده و پایدار میل دهد. از این رو با استفاده از تحقیق کیفی (مصاحبه نیمه ساختاری یافته) و همچنین با استفاده از روش پرسشنامه در جهت شناسایی مهم‌ترین خرده فرهنگ‌های منطقه با استفاده از تحلیل مصاحبه در نرم‌افزار تحلیل متن مکس کیودا می‌باشد که پس از شناسایی خرده فرهنگ‌های حاکم بر اساس نظر خبرگان، با بهره‌گیری از فن پرسشنامه در بین ۳۸۴ نفر از ساکنان حاشیه متناسب به دنبال بررسی وضعیت ارتباط بین خرده فرهنگ‌های درون‌زا با رشد حاشیه‌نشینی در شهرک باهنر مشهد می‌باشد. نتایج در بخش کیفی با استفاده از نرم‌افزار متن مکس کیودا از میان ۱۳ متخصص نشان داد که در مجموع ۲۶ خرده فرهنگ عمده بر شهرک باهنر اثرگذار بوده اند که شایع‌ترین خرده فرهنگ‌های حاکم به ترتیب اهمیت در زمینه نگرش و سبک زندگی (میانگین ۳۰۵)، پذیرش اجتماعی (۲/۹۸)، هیجان خواهی (۲/۹۱)، عدم تمایل به آینده (۲/۹۰)، مشارکت جویی (۲/۶۹)، لذت جویی (۲/۶۸) و مسولیت پذیری (۲/۳۲) می‌باشند. نتایج توزیع ۳۸۴ پرسشنامه در بین ساکنان نشان داد که تفاوت معناداری و مستقیم قوی بین نگرش ساکنان شهرک با رفتار آنان وجود دارد و به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر رفتارهای فرهنگی همچون مشارکت پذیری، پذیرش اجتماعی، لذت جویی و مسولیت پذیری داشته است با توجه به سطح معناداری به دست آمده میتوان با اطمینان ۹۵ درصد

ادعا کرد که رفتارهای حاشیه نشینان به شدت تحت تاثیر نگرش های قومیتی-مهاجرتی آنان قرار دارد.

کلید واژه: خرده فرهنگ، شهرک باهنر، شهر مشهد

مقدمه و بیان مسئله:

فرهنگ دربرگیرنده ی اعتقادات، ارزشها، اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود. در گونه ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می گردد (عیوضی، ۱۳۸۶).

در مقوله فرهنگ که خود دارای زوایای پنهان و غیرقابل اندازه گیری است وجوه مولدی نیز می توان یافت که یکی از این وجوه، خرده فرهنگهایی است که از تأثیرپذیری افراد با خلق و خو و سبک زندگی متفاوت از یکدیگر حاصل می گردد. که این فرآیند را یک نوع گذار فرهنگی به وسیله خرده فرهنگهای درونزا می نامند (راغفر و فذوی اردکانی، ۱۳۹۳).

سکونتگاه های غیررسمی به مناطقی گفته می شود که مهاجرین روستایی و محرومان جامعه شهری را در خود جای داده و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است. فقدان سند مالکیت رسمی و محرومیت از خدمات زیرساخت های شهری از شاخص های آن می باشد. شرایط موجود و حاکم بر این گونه نواحی در بروز ناهنجاری های اجتماعی بسیار مساعد می باشد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به امر مهاجرپذیری مناطق حاشیه نشین و اجتماع انسان های زیادی با آداب و رسوم، اعتقادات، سبک زندگی و به معنای جامع فرهنگ های متفاوت در یک ظرف مکانی مشخص، نوعی تضاد و تعارض از اصطکاک و برهم نشینی این تفاوتها پدید می آید. که باگذشت زمان منجر به بروز خرده فرهنگ های سیاه (مخرب) از قبیل عدم تعاون و حس مسئولیت نسبت به محیط زندگی-عدم پایبندی به انضباط شهری و تبعیت نکردن از دستورالعمل های شهروندی در طبقات مختلف سنی افراد در این اجتماع می شود (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴).

مطالعه تاریخ شهر مشهد نشان می‌دهد در هر دوره‌ای که توسعه به وجه فرهنگی آن نزدیکتر بوده، موفقتر بوده است. نمونه‌ای از شکوفایی چنین رویکردی را می‌توان در دوره تیموری و صفوی در مشهد مشاهده کرد. نمونه‌های نه‌چندان موفق نیز نشان می‌دهد هر زمان که توسعه مشهد از زمینه منظر فرهنگی خود فاصله گرفته، نتایج معکوسی به دست آمده است. یعنی به موازات کم‌رنگ شدن بعد فرهنگی توسعه، وجوه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن نیز دچار مشکل شده است (تیموری، ۱۳۹۶)

از این رو حضور فرهنگ‌های متفاوت در مشهد که به دلیل مهاجرت‌های فراوان شکل‌گرفته است، همواره مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت را به وجود آورده است که علیرغم تفاوت‌های جدی این خرده‌فرهنگ‌ها باهم، همزیستی مسالمت‌آمیزی شکل‌گرفته است. شهرک شهید باهنر نمونه بارزی از این تجمع‌هاست. در شهرک باهنر اصلی‌ترین دلیل این همزیستی، ارتباط نسبت هر یک از این خرده‌فرهنگ‌ها با مفهوم بنیادین شهر مشهد یعنی زیارت بوده است. امری که اکنون به دلیل نگاه‌های تک‌ساحتی همچون نگرش فن‌سالارانه به توسعه برابر، بسیار کم‌فروغ در این شهرک تبدیل شده است (طالشی و همکاران، ۱۳۹۹).

شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های جدید در شهرک باهنر شهر مشهد همچون خرده‌فرهنگ نوظهور، محصولات پیش‌بینی‌نشده‌ای از دیدگاه‌های سازه محور به شهر است. سبک زندگی مردم، نوع پوشاک‌ها، معماری بناها و کاربری‌های شهری در نقاطی از شهرک که این خرده‌فرهنگ‌ها بروز کرده‌اند حاکی از ظهور شیوه‌های جدید و متفاوت از زیست شهری است. مقایسه وضعیت فرهنگی این شهرک با ۱۰ سال گذشته خود، نشان‌دهنده سرعت تغییرات فرهنگی است (<http://www.qudsonline.ir>)

بطوریکه در تعداد نزاع‌ها و طلاق، رتبه‌های نخست کشور در شهر مشهد و در چنین محله‌های قرار دارد که این خود نشانه‌ای از ضعف فرهنگی در یک شهر مذهبی است. از این رو در مورد حاشیه‌نشینی می‌توان یک تلقی موقعیتی و جغرافیایی داشت و می‌توان یک تلقی فراتر از آن‌که حاشیه‌نشینان را فارغ از موقعیت جغرافیایی، به دور ماندگان از جریان پویای توسعه تلقی می‌کند. بر این اساس این پژوهش به دنبال شناسایی و ایجاد یک ظرفیت فکری و عملکردی در این سکونتگاه شهری است تا با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری این

ظرفیت‌ها بتواند در بلندمدت خرده‌فرهنگ‌های مخرب را به سمت تمایلات فرهنگی سازنده و پایدار میل دهد.

مبانی نظری تحقیق

در مورد متغیرهای موثر بر ارتکاب جرم نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. یکی از این نظریه‌ها مبتنی بر جرم‌شناسی فرهنگی است، نظریه تعارض فرهنگی است که از جمله نظریه‌های جامعه‌شناختی به شمار می‌رود. در نوشتار حاضر در نظر داریم برای تبیین این نظریه به چند نکته اشاره کنیم:

نکته اول- این نظریه را که در زبان فارسی به تعارض فرهنگی هم ترجمه شده است، تورستن سلین (۱۹۳۸) تدوین کرده است. وی فرهنگ را معادل هنجار رفتاری دانسته و آن را به عنوان مجموعه اندیشه‌ها، بنیادها و نتایج کارگروه‌های مشخص افراد انسانی تعریف کرده و به این ترتیب هر جامعه را دارای فرهنگی خاص دانسته است. وی جوامع را به دو دسته جوامع ساده و همگون و جوامع پیچیده و ناهمگون تقسیم کرد.

به نظر او در جوامع ساده شمار فراوانی از هنجارهای رفتاری به صورت قانون تصویب می‌شوند و در واقع نماینده هم‌رایی در جامعه اند اما در جوامع پیچیده بین هنجارهای رفتاری گروه‌های فرهنگی مختلف همپوشانی و درعین حال ناهمسازی وجود دارد. به عقیده او، در چنین حالتی است که تعارض فرهنگی به وجود می‌آید و معرفت‌کشمکش میان ارزش‌های اخلاقی و معیارهای رفتاری متضاد با یکدیگر یا انطباق نداشتن آنها است و اصرار و پایبندی افراد بر فرهنگ مغایر با قانون موجب ارتکاب جرم خواهد شد. به نظر پیروان این نظریه برخی از مجرمان در ارتکاب جرم سوءنیتی ندارند بلکه می‌خواهند بر اساس سنت و آداب و رسوم و فرهنگ خود اقدام کنند که به دلیل سازگار نبودن با هنجارهای قانونی جامعه، عمل آنان جرم تلقی می‌شود (Clary, ۲۰۱۸).

نکته دوم- تضادهای فرهنگی را به دو دسته شامل «تضادهای فرهنگی اولیه و تضادهای فرهنگی ثانویه» تقسیم می‌کنند. منظور از تضاد فرهنگی اولیه تضادهایی است که بین دو فرهنگ متفاوت رخ می‌دهد. این تضادها می‌توانند در حوزه‌های گسترده‌تری بین دو فرهنگ و اگرچه در مورد کشورهای استعمارگر و مستعمره با تسری قوانین کشور استعمارگر به جامعه مستعمره نمود پیدا کند یا در مورد مهاجرت یا پناهندگی، هنگامی که اعضای یک گروه فرهنگی به

سرزمین دیگری با فرهنگ متفاوت نقل مکان می کنند. اما تضاد فرهنگی ثانویه هنگامی روی می دهد که یک فرهنگ دربرگیرنده چند خرده فرهنگ متفاوت باشد که هر یک هنجار رفتاری خاص خود را داشته باشد.

نکته سوم- برای اثبات نقش تعارض هنجارهای رفتاری در علت شناسی هنجارشکنی ها باید موارد زیر احراز شود: ۱- وجود یک تعارض هنجاری (در درون شخصیت، در درون یک گروه فرهنگی یا بین هنجارهای دو گروه)؛ ۲- نقض شدن هنجاری که مرتبط با آن تعارض است؛ ۳- وجود رابطه معنادار بین این تعارض هنجاری و واقعه مجرمانه

نکته چهارم- در نقد این نظریه دو موضوع اساسی مطرح شده است. مورد اول این است که برداشت ارائه کنندگان این نظریه از واژه فرهنگ بسیار سطحی و ناقص است. آنها فرهنگ را مترادف با هنجار رفتاری دانسته اند درحالی که هنجارهای رفتاری تنها جزئی از فرهنگ است و فرهنگ علاوه بر هنجارها، بینش و کشش و کنش ها را شامل می شود. مورد دوم این است که در این نظریه تعارض فرهنگی خیلی عام در نظر گرفته شده و شامل تعارض بین هنجارهای قانونی و هنجارهای فردی هم می شود درحالی که فرهنگ شامل بینش، منش، کشش و کنش فردی نمی شود بلکه فقط شامل مواردی است که در طیف گسترده ای از مردم نهادینه شده باشد (Downer, 2020)

روش شناسی تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع پژوهش های توصیفی-تحلیلی که با استفاده از شیوه اسنادی و فنون روش تحقیق کیفی (مصاحبه نیمه ساختاری یافته) و سپس از روش پرسشنامه از طریق ساکنان منطقه تحت مطالعه استفاده می شود؛ که در قالب دو بخش اصلی است: بدین صورت که در بخش اول جهت شناسایی مهم ترین خرده فرهنگ های منطقه از مصاحبه و نرم افزار تحلیل متن مکس کیودا^۱ استفاده خواهد شد. در این بخش ابتدا با بررسی جامع ادبیات پژوهش، پرداخته و در نهایت سؤالات مصاحبه منتج از مبانی نظری تدوین می شود تا بتوان به شناسایی مهم ترین خرده فرهنگ های حاکم پرداخت درواقع نتایج نظری و پیشینه ای در این بخش به روایی محتوایی و صوری تحقیق کمک

یکی از مهمترین و کارآمدترین ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش تحلیل مضمونی یا مبتنی بر تم (در بخش مصاحبه) است و ابزار آن^۱ (در حال حاضر از برنامه های پیشرو برای تحلیل داده های کیفی در سراسر جهان است که برای MAXQDA استفاده از نسخه ۱۰ می باشد) ایجاد و آزمایش چارچوب های نظری و نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل داده های کیفی گوناگون به کار می رود

خواهند نمود تا به بهترین شکل ممکن بتوان نسبت به شناسایی عوامل اولیه اقدام کرد در بخش دوم پس از شناسایی خرده فرهنگ‌های حاکم بر اساس نظر خبرگان، با بهره‌گیری از فن پرسشنامه در بین ۳۸۴ نفر از ساکنان حاشیه متناسب با تعداد قومیت‌های ساکن و نسبت‌گیری آنان توزیع می‌شود.

یافته‌های توصیفی پاسخگویان (کارشناسان)

الف: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شوندگان در این مرحله با توجه به نظرات و دیدگاه‌های خود و با توجه به رایج‌گزارش‌هایی به آنها مبنی بر شناسایی دقیق خرده فرهنگ‌های حاکم در شهرک شهید باهنر، هر کدام توضیحات خود را بیان داشتند لازم به اشاره است که سمت و میزان مدت زمان هر یک از مصاحبه‌ها در جدول شماره ۱ آورده شده است:

جدول ۱- نتایج حاصل از مصاحبه

ردیف	سمت	تعداد	مدت زمان
۱	مهندسین مشاور	۳	۶۰ دقیقه
۲	کارشناس حوزه معاونت فرهنگی شهرداری	۲	۳۰ دقیقه
۳	کارشناس حوزه فرهنگی شهرداری منطقه ۶	۲	۳۰ دقیقه
۴	کارشناس ارشد معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری	۱	۳۰ دقیقه
۵	اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی	۲	۳۰ دقیقه
۶	سازمان تبلیغات	۳	۶۰ دقیقه
	مجموع	۱۳	۲۴۰

همانگونه که قابل بررسی است سعی شده است تا حد ممکن تمامی نهادهای و سازمانهای که به نحوی متولی امور فرهنگی در شهر مشهد می‌باشند و حتی الامکان از محدوده جغرافیایی و مشکلات آن به طور مستقیم آگاهی دارند استفاده شود که در مجموع ۲۴۰ دقیقه متن اختصاصی از مصاحبه‌های انجام شده استخراج گردیده است از این رو در جهت روایی کار لازم است که مشخصات آماری مصاحبه‌شوندگان مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که فرادی که

به دامنه تحلیل موضوع پرداخته اند در چه سطح تحصیلات و سمت ها و سوابق اجرایی قرار دارند که در ادامه قابل بررسی است.

بررسی سوابق فردی-اطلاعاتی کارشناسان پاسخگو

میزان تحصیلات افراد پاسخگو در قالب ه مولفه سنجش گردید که در واقع کمترین میزان آن را دیپلم و بیشترین طیف ارزشی به مدرک دکترا اختصاص یافت.

یافته های حاصل از تحقیق پاسخگویان در دو طیف طبقه بندی شدند افرادی که کمتر از ۱۰ سال سابقه کار داشتند بیشتر از افرادی که بیشتر از ۱۰ سال سابقه داشته اند حکایت دارد.

شناسایی خرده فرهنگ های حاکم در شهرک باهنر

در تحلیل کیفی متن ها در گام اول نرم افزار به بررسی تعداد اسناد بر اساس نشانه گره های اشاره شده در هر سند، کد فرعی و اصلی میپردازد در واقع در این گام سعی می شود تا سندهای دارای ارزش و کدها براساس ارزش طبقه بندی گردند و در صورت نیاز کدهای که کمترین میزان اشاره گر را داشته اند حذف شوند طبیعی است که هر چه تعداد نشانه گره ها بیشتر باشد این به آن منزله است که آن کد از توافق بیشتری برخوردار بوده است و در نتیجه روایی آن قابل تائید است

با توجه به نتایج بدست آمده در مجموع ۲۶ خرده فرهنگ عمده شناسایی گردیده است که در قالب ۷ کد فرعی و ۴ کد اصلی دسته بندی گردیده اند در این بین ۶ شاخص عمده در کد فرعی عدم تمایل به آینده، ۲ شاخص در کد فرعی هیجان خواهی ۱ شاخص در کد لذت جویی، ۳ شاخص در کد مسولیت گریزی، ۶ شاخص در کد فرعی نگرش، ۴ شاخص در کد فرعی عدم مشارکت جویی و ۴ شاخص در کد فرعی عدم پدیرش اجتماعی ثبت شده اند که بیشترین میزان شاخص ها را میتوان در کد فرعی عدم تمایل به آینده و کد فرعی نگرش و سبک اجتماعی مشاهده کرد. اما از منظر تدرصد افرادی که به این کد اشاره کردند اند که از میان ۱۳ متخصص (۱۰۰ درصد) می باشد نتایج نشان میدهد که کدهای فرعی کدهای فرعی عدم تمایل به آینده لذت جویی، عدم مشارکت به آینده بیشترین میزان اشاره گر را داشته اند این به این معنی است که این کدها و شاخص های آنان بیشتر مورد توافق متخصصین بوده است بطوریکه در سند (در فرهنگهای سنتی بسیاری از خانوارهای ساکن در حاشیه ازدواج ها در سنین پائین فرار خانواده از زیر بار فقر و مشکلات مالی است

که معمولا این ازدواج ها بدون شناخت درصد کافی و درون خانواری انجام می شود.) ۱۰ نفر از متخصصان به آن اشاره کرده اند که این موضوع علاوه بر اهمیت آن متفق القول بودن متخصصان را نیز نشان میدهد با توجه به تعداد نشانه گر و درصد گیری از هر کد میتوان به ضریب اهمیت و روایی آن سند پی برد.

در زمینه بررسی کدهای اصلی که در ۴ دسته عمده تقسیم بندی شده اند کدنگرش ارزشی با ۳۶ اشاره گر و کسب ۴۶/۱۵ درصد بیشترین میزان توافق و ارزشگذاری را داشته است دیدگاه های نگرشی با ۲۵ مورد و ۳۲ درصد در جایگاه بعد و شاخص گرایش های گزاره ای و هنجارهای اجتماعی در ردیف های اعتبار دیگر بوده اند.

در گام دوم از تحلیل مکس کیودا ارزش کیفی داده ها برحسب محتوای آنان مورد سنجش قرار میگیرد که در ادامه جدول ذیل قابل بررسی است:

جدول ۲- بررسی نهایی جدول مکس کیودا

کد اصلی	کد فرعی	سند	وزن
(۱۷/۷۴) ارزشی	عدم تمایل به آئینده (۱۷/۷۴)	بسیاری از دختران و زنان جوان یا در سن پائین ازدواج کرده اند یا دچار طلاق های عاطفی و رسمی شده اند	۲,۷۵
		بسیاری از ساکنان بلوچ و افغانه منطقه هیچگونه مدرک و سند رسمی هویتی ندارند (عملا این دسته از افراد از شغل، ازدواج، مسافرت، و بسیاری از ارکان اجتماعی جامعه محرومند)	۲,۵
		جمعیت زیاد و بالا بودن تعداد افراد خانوار و همچنین مهاجرت های گروهی از سوی سایر اقوام و خانوارهای ساکن ادامه شرایط زندگی را برای این دسته از خانوارها با توجه به محدودیت منابع، درآمد و امکانات اقتصادی و شرایط جامعه ناامید و سخت کرده است	۳,۱۲
		به دلیل مصادره بودن اموال، غیر قانونی بودن زمین و ... ساکنین هیچ گونه تمایلی به بهبود ارزش های زندگی ندارند	۲,۷۵
		پائین بودن سطح سواد سرپرستان خانوار موجب ترک تحصیل دختران و ازدواج و فرزند آوری در سن پائین شده است	۲,۷۵
(۱۸/۶۱) ای گزاره های کلاسیک	هیجان خواهی (۸/۳۷)	در فرهنگهای سنتی بسیاری از خانوارهای ساکن در حاشیه ازدواج ها در سنین پائین فرار خانواده از زیر بار فقر و مشکلات مالی است که معمولا این ازدواج ها بدون شناخت کافی و درون خانواری انجام می شود.	۳,۸۷
		در این مناطق با حجم زیادی از جامعه جوان روبرو بوده که بازه سنی آنان بین ۱۵- الی ۲۵ سال می باشد	۳
	الذت جویی (۲/۱۲)	فرهنگ روستایی حاکم و عدم آشنایی با قوانین راهنمایی و رانندگی و عدم پایبندی به قانون منجر به تخلفات متعدد میگردد که سرعت غیر مجاز در خیابان های اصلی، حرکات مارپیچ و آلودگیهای صوتی بخشی از آن است.	۳,۲۵
		استفاده از مواد افیونی و توهم زا و همچنین آداب سنتی بعضی از اقوام در خوردن مشروب که به صورت پنهان و آشکار قابل بررسی است.	۲,۱۲
مسئولیت قانونگریزی (۸/۱۲)	و	در سنت بعضی از اقوام و اقلیت های ساکن در حاشیه شهر قانون گریزی و وندالیسم به عنوان عمل متقابل در برابر دولت مرکزی و محلی محسوب می شود و در فرهنگ محلی به عنوان زرنگ بازی و عملی متقابل محسوب می شود.	۳
		کمبود امکانات و عدم حضور مجریهای قانونی (عدم نظارت اولیه) در حاشیه شهر مشهد مهمترین عامل برای قانونگریزی و عدم مسولیت اجتماعی است	۲,۲۵
		ویژگی های شخصیتی مشترک در بعضی از گروه ها، افراد حساس	

۲/۸۷	و ... منجر شده است حاشیه‌نشین بسیاری از استان‌داردهای جاری که مردم عادی پذیرفته‌اند را نپذیرند و از قانون‌هایی که در شهر وضع می‌شود پیروی نکنند و به همین دلیل حاشیه‌نشین می‌شوند زیرا می‌خواهند آزاد باشند.		
۲,۲۵	فرهنگ بی‌نظمی مهمترین سبک حاکم در زندگی افراد حاشیه‌نشین در شهرک شهید باهنر می‌باشد	نگرش و سبک زندگی (۱۴/۸۷)	(۱۴/۸۷) نگرشی
۲,۷۵	رها و فروش کودکان در بین بعضی از اقوام و سنت‌ها امری خلاف شرع و قانون نیست بطوریکه در سال ۱۳۹۶ حدود ۵۸۰ کودک زیر یک سال به شیرخوارگاه تحویل داده شده است.		
۲,۲۵	فرهنگ حاشیه‌نشینان تلفیقی از زندگی قبلی (عشیره‌ای) و زندگی شهری (مدرن) است که تلفیق این دو فرهنگ موجب بی‌هویتی در بسیاری از افراد حاشیه‌نشین شده است.		
۲,۷۵	به دلیل فرهنگ فقر حاکم تن‌فروشی و فحشا در بین بسیاری از زنان خانوار به یک سبک درآمدی تبدیل شده است.		
۲,۶۲	مشاغل کاذب مانند دست‌فروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی و... که می‌توانند بستر آسیب‌های اجتماعی دیگری باشند به یک سبک زندگی پایدار در حاشیه تبدیل شده است.		
۲,۲۵	به دلیل عدم درآمد مناسب و کار و فعالیت بسیاری از جوانان ساکن در حاشیه تمایلی به ازدواج ندارند و همین عامل موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی می‌گردد بطوریکه با توجه به پتانسیل‌های موجود و آسیب‌های اجتماعی تک‌گزینی همانند جوانان بالاشهر به یک سبک و نگرش زندگی در حال تبدیل شدن است.		
۲,۳۷	بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و حکومتی مهمترین عاملی است که حاشیه‌نشینان حاضر به مشارکت نمی‌بانشد	مشارکت‌پذیری (۱۰/۸۷)	(۲۲/۵) اجتماعی
۲,۷۵	تبعیض و ناعدالتی اجتماعی و همچنین مشاهده نقاط مرفه‌نشین در شهر مشهد موجب شکاف نگرشی و عدم مشارکت در بین افراد حاشیه‌نشین شده است		
۲,۷۵	فرهنگ استفاده از واژگانی همچون حاشیه و غیر رسمی در اذهان عمومی و حاشیه‌نشینان در بلندمدت تمامی فعالیت‌ها منجمله مشارکت را در حاشیه قرار می‌دهد.		
۳	گسست روابط همگن و شکستن ساختارهای فکری، اندیشه‌ای و پیش‌فرضی منجر به عدم تعلق مکانی و پائین بودن مشارکت اجتماعی شده است		
۲,۸۸	هیچ‌کس منتظر زنان بهبود یافته از اعتیاد نیست (پاک‌نگه داشتن این افراد به مدت ۴ ماه و پرداخت هزینه‌های ترک اعتیاد این افراد و عدم توانمندسازی این افراد و رها کردن آنها در جایی که هیچ‌کس منتظر آنها نیست در حقیقت اتلاف هزینه است.)	پذیرش اجتماعی (۱۱/۶۳)	

۳	تا زمانیکه جامعه رفتار حاشیه نشینان را نابهنجار تلقی می‌کند، فرد زمینه پذیرش اش را از دست می‌دهد و آگاهانه و ناآگاهانه برخورد تبعیض آمیز، ناعادلانه و خشونت آمیز را الگوی رفتاری خویش می‌نماید.		
۳,۷۵	به دلیل پائین بودن بهره برداری از آموزه های دینی، اخلاقی، قانونی در بین افراد حاشیه نشین عدم پذیرش اجتماعی در سطح پائینی قرار دارد.		
۲	پذیرش ها، انتخاب ها و تصمیم ها بر مبنای احساسات شکل میگیرد نه منطق و برنامه از پیش اندیشیده شده بطوریکه اگر تشویق نشوند ادامه کار مشکل، تنفر در آن واحد و موفقیت تصادفی و مبتنی بر شانس است.		

با توجه به نمره گذاری و میانگین هر یک از مولفه ها از منظر صاحب نظران و مدیران بالاترین میزان میانگین بدست آمده در حوزه اسنادی ابتدا به مسائل هنجارهای اجتماعی با میانگین (۲۲/۵) گرایش های گزاره ای (۱۸/۶۱) و پس از آن به مسائل ارزشی با میانگین (۱۷/۴) بوده است نتایج در حوزه محتوای سند نشان میدهد که حاکم ترین خرده فرهنگ در بین اهالی شهرک شهید باهنر در زمینه هنجارهای اجتماعی می باشد که در این زمینه عدم پذیرش اجتماعی و عدم مشارکت پذیری مهمترین مولفه های آن می باشند. در ادامه مباحث تاثیر هر یک از شاخص ها به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است.

تحلیل یافته های میدانی (پرسشنامه شهروندان)

در مباحث و یافته های کیفی سعی شد تا به پاسخگویی سوال اول تحقیق از دیدگاه متخصصان پردازد از این رو مصاحبه و تحلیل کیفی متن توانست به بهترین حالت ممکن به سوال اول تحقیق پاسخگو باش و خرده فرهنگهای حاکم در شهرک باهنر را شناسایی نماید از این ور در جواب سوال دوم تحقیق پرسشنامه های که با استناد به مبانی نظری تحقیق و همچنین متن های مصاحبه استخراج شده بود به صورت محقق ساخت تدوین و با توجه به نمونه آماری توزیع شد که در ادامه قابل بررسی است:

بررسی سایر خصوصیات عمده اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی محدوده

از ۳۸۴ نفر از افراد پاسخگویان ۳۰۳ نفر (۷۸/۹ درصد) جنسیت خود را مرد و ۸۱ نفر (۲۱/۳ درصد) جنسیت خود را زن اعلام کرده اند. همانگونه که قابل بررسی است تعداد افراد پاسخگوی مرد در این نمونه بیشتر بوده اند و این بیانگر این واقعیت است که مکان تحت نمونه

دسترسی به مردان به نسبت زنان راحت‌تر می‌باشد. بیشترین تعداد مردان پاسخگو به ترتیب بلوچ‌ها، کردها، فارس‌ها، آذری‌ها، عرب‌ها و سایر اقلیت‌ها بوده‌اند و در زمینه پاسخگویی زنان کردها، بلوچ‌ها، فارس‌ها، آذری‌ها، عرب‌ها و سایر اقلیت‌ها می‌باشند با توجه به بررسی سن پاسخگویان بیشترین میزان پاسخگویی در رده سنی ۴۱ تا ۶۰ سال قرار گرفته‌اند که ۱۷۹ نفر از پاسخگویان ۴۶/۶ از پاسخگویان در برگرفته است

دومین گروه پاسخگویی نیز مربوط به گروه‌های سنی ۲۶ تا ۴۰ سال می‌باشند که حدود ۱۲۳ نفر یعنی ۳۲ درصد افراد پاسخگو را در برداشته‌اند

سومین گروه عمده پاسخگویان نیز مربوط به رده سنی بیشتر از ۶۰ سال می‌باشند که حدود ۷۳ نفر از پاسخگویان یعنی ۱۹ درصد در این گروه سنی قرار گرفته‌اند.

با توجه به رده سنی ۱۹ تا ۲۵ سال بیشترین تعداد پاسخگوها را بلوچ‌ها، آذری‌ها و کردها داشته‌اند

در رده سنی ۲۶ تا ۴۰ سال بیشترین میزان پاسخگویان مربوط به کردها، بلوچ‌ها و فارس‌ها می‌باشند

در رده سنی ۴۱ تا ۶۰ سال بیشترین میزان پاسخگویان مربوط به بلوچ‌ها، کردها، فارس‌ها، آذری‌ها، عرب‌ها و سایر بوده‌اند.

در رده سنی بیشتر از ۶۰ سال نیز بیشترین میزان پاسخگویان مربوط به فارس‌ها، بلوچ‌ها، کردها، آذری‌ها، عرب‌ها و سایر می‌باشند.

از ۳۸۴ نفر از افراد پاسخگویان ۱۲۵ نفر (۳۲/۶ درصد) میزان درآمد خود را بین ۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرده‌اند. ۱۰۷ نفر

یعنی ۲۷/۹ درصد اعلام کرده‌اند که منبع درآمد مشخصی ندارند و ۶۶ نفر نیز میزان درآمد خود را بین ۵۰۰ تا ۱ میلیون تومان اعلام کرده‌اند.

همان‌گونه که قابل‌بررسی است ساکنان حاشیه از وضعیت درآمدی مناسبی برخوردار نیستند بطوریکه بیشتر از ۶۰ درصد ساکنان در فقر

مطلق به سر می‌برند. در رده درآمدی افراد بدون درآمد بیشترین میزان مربوط به کردها، بلوچ‌ها، فارس‌ها، آذری‌ها و عرب‌ها می‌باشد در

رده درآمدی بین ۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان بلوچ‌ها، کردها، فارس‌ها، آذری‌ها و عرب‌ها بیشترین بازه را در برداشته‌اند. در رده درآمدی

بین ۵۰۰ تا ۱ میلیون تومان بلوچ‌ها، کردها و فارس‌ها بیشترین میزان درآمد را داشته‌اند در رده درآمدی بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان

بلوچ‌ها، کردها و فارس‌ها بیشترین میزان درآمدی را دارا بوده‌اند

در رده درآمدی بیشتر از ۱/۵ میلیون تومان هم بلوچ ها، کرده و فارس ها بیشترین میزان درآمد را دار بوده اند.

با توجه به نمودار ۲۱۴ نفر از افراد پاسخگو یعنی ۵۵/۷ درصد در خارج از شهر مشهد به دنیا آمده اند و ۸۹ نفر در شهر مشهد که برابر با ۲۳/۲ درصد افراد پاسخگو است با توجه به نمودار سنی که بیشترین میزان افراد پاسخگو در رده سنی ۴۱ تا ۶۰ سال قرار داشت میتوان اذعان کرد که جمعیت عمده به صورت مهاجر بوده و در ۴۰ سال گذشته وارد شهر مشهد شده اند. نتایج نشان میدهد که بیشترین میزان تولد اقلیت ها در شهر مشهد مربوط به کردها و سپس بلوچ ها بوده است در زمینه تولد خارج از شهر مشهد نیز بلوچ ها و کردها بیشترین تعداد و درصد را در داشته اند و در زمینه تولد در مبدا نیز فارس ها بیشترین میزان را در برداشته اند با توجه به نتایج میتوان استدلال کرد که بلوچ ها و کردها بیشترین ساکنان مهاجر بوده اند که چندین کوچ داشته اند تا به شهر مشهد رسیده اند.

با توجه به شرایط حاکم در شهر مشهد نتایج نشان میدهد که حاشیه نشینان به سمت مشاغل کاذب جذب شده اند که ۱۳۴ نفر از پاسخگویان یعنی ۳۴/۹ درصد در این مشاغل جذب شده اند. ۸۷ نفر از پاسخگویان یعنی ۲۲/۷ درصد در شغل قدیم و شغلی که در گذشته داشته اند جذب شده اند و ۸۵ نفر یعنی ۲۲/۱ درصد در مشاغل یدی و کارگری مشغول به فعالیت شده اند. در زمینه مشاغل دولتی نیز ۶۰ نفر از افراد یعنی ۱۵/۶ درصد در مشاغل دولتی جذب شده اند و ۱۸ نفر یعنی ۴/۷ درصد بدون شغل ساکن شده اند.

با توجه به بررسی گروه ای اقلیتی میتوان نایج را به تفکیک گروه ها مورد بررسی قرار داد که در ادامه قابل شرح است:

با توجه به بررسی گروه های قومیتی ابلوچ ها و کردها بیشتر در مشاغل کاذب جذب شده اند و در مشاغل دستی و کشاورزی فارس ها، کردها و بلوچ ها بیشترین میزان را در برداشته اند. با توجه به وضعیت مشاغل در حال حاضر بلوچ ها و کردها نیز در بدترین وضعیت ممکن می باشند.

بررسی یافته‌های توصیفی شاخص‌های پژوهش

نتایج توصیفی جدول نشان میدهد که شایع ترین خرده فرهنگ های حاکم در شهرک باهنر به ترتیب اهمیت در زمینه نگرش و سبک زندگی (میانگین ۳۰۵)، پذیرش اجتماعی (۲/۹۸)، هیجان خواهی (۲/۹۱)، عدم

تمایل به آینده (۲/۹۰)، مشارکت جویی (۲/۶۹)، لدت جویی (۲/۶۸) و مسولیت پذیری (۲/۳۲) می باشند.

جدول ۳- بررسی شاخص های تحقیق بر مبنای قومیت

نام قوم-شاخص	بلوچ	فارس	آذری	کرد	عرب	سایر
هیجان	۳/۸۲	۲/۹۱	۲/۷۰	۳	۲/۷۰	۳/۱۴
لذت جویی	۳/۰۶	۲/۹۰	۲/۷۴	۲/۵۵	۳/۲۲	۲/۹۰
قانون گریزی	۲/۸۷	۲/۷۴	۲/۵۱	۲/۹۶	۲/۹۲	۳/۲۱
پذیرش اجتماعی	۲/۴۲	۲/۶۳	۲/۱۶	۲/۳۳	۲/۲۳	۲/۴۲
مشارکت	۲/۹۲	۲/۹۲	۳/۰۳	۲/۴۰	۳/۴۵	۲/۹۸
عدم تمایل به آینده	۲/۹۱	۲/۶۲	۲/۵۲	۲/۷۴	۲/۹۷	۲/۴۳
سبک و نگرش	۳/۱۲	۲/۹۸	۲/۹۰	۲/۷۳	۳/۵۲	۳/۳۰
مجموع	۳/۰۱	۲/۸۱	۲/۶۵	۲/۶۷	۳	۲/۹۱

با توجه به یافته های به دست آمده نتایج نشان می دهد که خرده فرهنگ های متفاوتی در شهرک باهنر شهر مشهد در کنار یکدیگر شکل گرفته اند در این بین خرده فرهنگ درونزای حاکم بر زندگی بلوچ ها شهرک باهنر را بیشتر تحت تاثیر خود قرار داده است. در واقع بلوچ ها با سبک های خرده فرهنگی متفاوتی در زمینه هیجان خواهی، لذت جویی، سبک و نگرش زندگی روستایی و پائین بودن سطح میزان مشارکت و همچنین ناامیدی از شرایط آینده و در نهایت قانون گریزی و عدم پذیرش اجتماعی، فرهنگ سکونت و زندگی شهرک باهنر را تحت تاثیر خود قرار داده اند.

پس از بلوچ ها، اقلیت عرب ها دومین گروهی در شهرک باهنر می باشند که خرده فرهنگ های درونزای آنان به صورت غالب در فضای شهرک باهنر حاکم شده است در این بین سبک و نگرش زندگی روستایی، لذت جویی، عدم مشارکت، عدم تمایل به آینده، قانون گریزی، هیجان خواهی و عدم پذیرش اجتماعی از مهمترین خرده فرهنگ های حاکم می باشد. با توجه به شاخص های فرهنگی بلوچ ها، در زمینه هیجان خواهی، عرب ها در زمینه لذت جویی، کردها در زمینه قانون گریزی، فارس ها در زمینه عدم پذیرش اجتماعی، عرب ها در زمینه عدم مشارکت پذیری و همچنین عدم تمایل به آینده و سبک و نگرش های روستایی و سنتی می باشند.

بررسی یافته های استنباطی

در این بخش سعی خواهد شد به سنجش فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق با توجه به آزمون‌های تحلیلی پرداخته شود از این رو در پی سنجش فرضیه اول تحقیق از آزمون کا اسکوائر (خی دو) استفاده شده است این آزمون به دنبال سنجش نقش ذهنیت حاشیه نشینان بر عینت رفتاری آنان پرداخته است که آیا رفتارهای عینی حاشیه نشینان تحت تاثیر ذهنیت آنان قرار دارد یا خیر؟ که در ادامه قابل بررسی است.

با توجه به آزمون توصیفی جدول خی دو رفتار ۲۷۵ نفر (۷۴ درصد) از آزمودنی‌های تحقیق تحت تاثیر نگرش می باشد و ۹۷ نفر (۲۶ درصد) رفتار آنان تحت تاثیر این نگرش قرار نگرفته است

با توجه به آزمون استنباطی در واقع آزمون خی دو به دنبال این واقعیت است که آیا نتایج یافته‌های توصیفی به دست آمده تا چه اندازه ناشی از شانس است و تا چه اندازه برگرفته از یک آزمون فرض علمی است که در ادامه قابل بررسی است:

جدول ۴- بررسی یافته‌های استنباطی نگرش بر رفتار

	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۷۰٫۸۱۳ ^a	۱	۰٫۰۰۰
Continuity Correction ^b	۶۸٫۸۲۰	۱	۰٫۰۰۰
Likelihood Ratio	۷۲٫۸۷۲	۱	۰٫۰۰۰
Fisher's Exact Test			
Linear-by-Linear Association	۷۰٫۶۲۳	۱	۰٫۰۰۰
N of Valid Cases	۳۷۲		

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول استنباطی تحقیق میزان کای بدست آمده برابر با ۷۰٫۸۱۳ در ۳۷۲ نمونه می باشد با توجه به سطح معناداری بدست آمده ۰٫۰۰۰ و سطح اطمینان ۹۵ درصد میتوان ادعا کرد که نتایج بدست آمده از یافته‌های توصیفی قابل اطمینان می باشند و بین نگرش ساکنان و رفتار پذیری آنان تفاوت معناداری وجود دارد در واقع رفتار ساکنان حاشیه شهرک باهنر تحت تاثیر نگرش آنان قرار دارد

با توجه به تفاوت معنادار بین نگرش و رفتار ساکنان در این زمینه سعی شده است تا میزان اثرگذاری نگرش بر هر یک از رفتارهای حاشیه نشینان مرد سنجش قرار گیرد که در ادامه قابل بررسی است:

جدول ۵- بررسی ارتباط بین نگرش و رفتار

		شاخص رفتار	لذت جویی	مسئولیت پذیری	پذیرش	مشارکت
ذهنیت	Pearson Correlation	.۷۷۵**	.۲۷۴**	.۲۳۷**	.۵۱۳**	.۶۲۳**
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۳۷۲	۳۸۴	۳۸۴	۳۷۲	۳۸۴

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول همبستگی یک رابطه مستقیم قوی و معناداری بین نگرش ساکنان و رفتارهای فرهنگی آنان قرار دارد میزان ضریب به دست آمده در رفتار کلی ۰٫۷۷۵ و میزان سطح معناداری آن با اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۰٫۰۰۰ می باشد از این رو نگرش ذهنی ساکنان به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر رفتارهای فرهنگی همچون مشارکت پذیری، پذیرش اجتماعی، لذت جویی و مسئولیت پذیری داشته است.

با توجه به مباحث به دست آمده نتایج آزمون خی دو و همبستگی پیرسون نشان داد که بین نگرش ساکنان و رفتارهای آنان تفاوت معناداری وجود دارد بطوریکه ارتباط قوی و معناداری در این زمینه وجود دارد و بیشترین میزان اثرگذاری آن در شاخص رفتاری همچون مشارکت و پذیرش اجتماعی می باشد نتایج به طرز ملموسی نشان میدهند که نگرش های ساکنان با فرهنگ های قومی متفاوت منجر به اعمال خرده فرهنگ های میشوند که در بلند مدت رفتارهای آنان را ایجاد می نمایند و این رفتارها میتواند بر سایر رفتارهای دیگر غالب گردد که یک خرده فرهنگ درونزا را ایجاد می نماید.

از این رو در جهت سنجش این فرضیه که رفتارهای حاشیه نشینان تا چه اندازه منجر به یک فرهنگ غالب میگردد و این فرهنگ غالب تا چه اندازه روند حاشیه نشینی را تحت تاثیر قرار میدهد بهترین آزمون در جهت سنجش آن رگرسیون خطی می باشد که در ادامه قابل بررسی است: نتایج خلاصه مدل رگرسیون نشان میدهد که میزان همبستگی بین متغیرها برابر با عدد ۰٫۶۴۳ و ضریب تعیین برابر با ۰٫۴۱۴ و ضریب خطای تعیین برابر با ۰٫۴۰۶ می باشد در واقع مدل پیش رو توانسته ۴۱ درصد مدل پیش رو را تبیین نماید.

با توجه به آنکه ضریب تحلیل واریانس یکطرفه به تبیین مدل پیش رو میپردازد که آیا ضریب رگرسیون خطی میتواند ادامه یافته های تحقیق تبیین نماید یا خیر از ضریب انوی استفاده شده است.

ضریب تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد که سطح معناداری به دست آمده معنادار و ادامه تحلیل مدل می‌تواند به درستی نتایج رگرسیون را تحلیل نماید.

جدول ۶- بررسی شاخص‌های نهایی تحلیل

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	-.۳۵۰	.۱۱۵		-۳,۰۴۵	.۰۰۲
لذت جویی	.۲۴۸	.۰۴۴	.۲۴۰	۵,۶۲۲	.۰۰۰
مسئولیت پذیری	.۲۴۳	.۰۵۱	.۱۹۴	۴,۷۶۰	.۰۰۰
پذیرش مشارکت	.۱۴۰	.۰۴۰	.۱۵۴	۳,۴۶۳	.۰۰۱
هیجان خواهی	.۳۸۴	.۰۴۶	.۳۷۳	۸,۴۴۱	.۰۰۰
	.۱۲۷	.۰۳۱	.۱۷۳	۴,۰۹۵	.۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی و ضریب بتای به دست آمده و همچنین سطح معناداری شاخص‌های مشارکت، لذت جویی، مسئولیت‌پذیری، هیجان‌خواهی و پذیرش اجتماعی بیشترین تاثیر را بر توسعه حاشیه‌نشینی در شهرک باهنر داشته است با توجه به ضریب بتای به دست آمده عدم مشارکت‌پذیری ساکنان ۳۷ درصد حاشیه شهرک باهنر را تحت تاثیر قرار داده است در واقع در صورتیکه میزان مشارکت‌پذیری در شهرک باهنر هر چه کم و کمتر باشد توسعه و روند حاشیه‌نشینی تحت تاثیر قرار می‌گردد.

ایجا حس لذت جویی که مهم‌ترین تاثیر خود را بر امنیت و ایمنی ساکنان حاشیه‌نشین بازی میکند دومین مولفه ای است که در حدود ۲۴ درصد توسعه و میزان حاشیه‌نشینی را تحت تاثیر خود قرار داده است و ۲۷ درصد از تغییرات حاشیه‌نشینی شهرک باهنر را می‌توان ناشی از حس لذت جویی و ایجاد اختلال در امنیت ساکنان دانست عدم حس مسولیت‌پذیری سومین مولفه ای است که در حدود ۱۹ درصد از رشد و توسعه حاشیه را تحت تاثیر خود قرار داده است در واقع توسعه حاشیه‌نشینی در شهرک باهنر تحت تاثیر این مولفه قرار دارد. هیجان‌خواهی و عدم پذیرش اجتماعی نیز حدود ۳۳ درصد از تاثیرات حاشیه را تحت تاثیر قرار داده است

با توجه به نتایج جدول توسعه حاشیه شهرک شهید باهنر بیشتر تحت تاثیر خرده فرهنگ های است که از نگرش اجتماعی آنان شکل میگرد و رفته رفته به یک خرده فرهنگ درونزا تبدیل میشود این خرده فرهنگ درونزا که خود را در قالب رفتارهای فرهنگی غالب نشان میدهد میتواند منجر به توسعه حاشیه گردند که در این زمینه مشارکت و لذت جویی دو بعد اثرگذار می باشند.

نتیجه گیری:

نتایج این تحقیق در دو بخش کیفی و کمی مورد سنجش واقع شد. در بخش کیفی با استفاده از نرم افزار متن مکس کیودا نتایج تحقیق از میان ۱۳ متخصص نشان داد که در مجموع ۲۶ خرده فرهنگ عمده شناسایی گردیده است که در قالب ۷ کد فرعی و ۴ کد اصلی دسته بندی گردیده اند از این رو در پاسخ اولین سوال تحقیق شایع ترین خرده فرهنگ های حاکم در شهرک باهنر به ترتیب اهمیت در زمینه نگرش و سبک زندگی (میانگین ۳۰۵)، پذیرش اجتماعی (۲/۹۸)، هیجان خواهی (۲/۹۱)، عدم تمایل به آینده (۲/۹۰)، مشارکت جویی (۲/۶۹)، لذت جویی (۲/۶۸) و مسولیت پذیری (۲/۳۲) می باشند. پس از احصای مهمترین خرده فرهنگ های حاکم در قالب پرسشنامه ای محقق ساخت قرار گرفت و در اختیار ۳۸۴ ساکن در شهرک باهنر توزیع شد نتایج تحقیق در زمینه پاسخگویی به سوالات دوم و سوم تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین نگرش ساکنان شهرک با رفتار آنان وجود دارد از این رو در جهت سنجش این رابطه از همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که یک رابطه مستقیم قوی و معناداری بین نگرش ساکنان و رفتارهای فرهنگی آنان قرار دارد از این رو نگرش ذهنی ساکنان به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر رفتارهای فرهنگی همچون مشارکت پذیری، پذیرش اجتماعی، لذت جویی و مسئولیت پذیری داشته است با توجه به نتایج آزمون کای اسکوائر و ضریب همبستگی پیرسون میتوان استدلال کرد که ساکنان به همراه نگرش های اجتماعی که مبتنی بر سبک زندگی و همچنین آینده نگری و امید به آینده بهتر می باشد در فضای حاشیه تصمیم گیری میکنند و این تصمیم ها در قالب رفتار آنان نمود پیدا میکند. در واقع هر چه میزان نگرش ساکنان در بافت حاشیه شدت یابد رفتار آنان را به شدت تحت تاثیر قرار میدهد با توجه به سطح معناداری به دست آمده میتوان با اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد که رفتارهای حاشیه نشینان به شدت تحت تاثیر نگرش های است که از قومیت ها و مهاجرت های خود قرار دارد.

منابع

- امیدوار پوران دانش پروانه جواهری فاطمه زاهدی مازندرانی محمد جواد ۱۳۹۷ مطالعه خرده فرهنگ های مباحی در کلان شهر تهران (شرایط، زمینه ها و پیامدها) فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، زمستان، شماره ۷
- زارع شاه آبادی، اکبر معنویت، محمد حسن؛ ۱۳۹۹ تأثیر سرمایه اجتماعی بر خرده فرهنگ جوانان شهر یزد مقاله مطالعات فرهنگ - ارتباطات زمستان - شماره ۸۴
- ابراهیم زاده، عیسی و همکاران، ۱۳۹۳، حاشیه نشینی؛ ناهنجاریهای شهری و راهکارهای تعدیل آن موردشناسی؛ کریم آباد زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان
- بابایی، جواد؛ هنری، فرناز؛ سوقندی، مریم و محمدیان مقدم، شهرزاد (۱۳۹۴) بررسی پیامدهای حاشیه نشینی بر نظام فرهنگی مشهد چهارمین همایش ملی معماری، شهرسازی و پژوهش های نیاز محور با محوریت تحولات نوین و پژوهش های کاربردی
- محمدنیای قرایی، فاطمه؛ نقی زاده، محمد رفیعیان مجتبی، ۱۳۹۶ میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام در محیط های شهری: تحلیلی مقایسه ای میان زنان در خرده فرهنگ های ایران مطالعات شهری تابستان - شماره ۲۳
- راغفر، حسین و فدوی اردکانی، مرجان، ۱۳۹۳، چهارچوبی تحلیلی در نظریه توسعه: فرهنگ، قدرت و نابرابری، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۹۱-۱۱۵
- بنی اسدی، عبدالحمید بررسی رابطه حاشیه نشینی و بزهکاری ۱۳۹۵ مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۴
- رفیعی، امیر تیمور، ۱۳۹۶، سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری، نشریه تاریخ، دوره ۲، شماره ۶، صص ۸۴-۶۱

- کریمی علویجه محمدرضا کلهر رامینه احمدی محمدمهدی ۱۳۹۷ خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان (پژوهش بین‌فرهنگی: سنج و تبریز) دوفصل‌نامه کاوش‌های مدیریت بازرگانی دوره ۱۰، شماره ۱۹ بهار و تابستان

- طالشی، شیده یوسف؛ موذن، هما؛ نعمت‌اله اکبری، جمشید، ۱۳۹۹، تحلیل تطبیقی زیست‌پذیری فرهنگی کلان‌شهرهای ایران مطالعه موردی: تهران، اصفهان و مشهد، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۷۸ تابستان صفحه ۵۵-۷۶

-عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۶، فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول، نشریه زمانه شماره ۵۸، صص ۴۰-۵۸

Kaisa Jaalama a,c,* , Nora Fagerholm b, Arttu Julin a, Juho-Pekka Virtanen a,c, Mikko Maksimainen a, Hannu Hyypä a,c Sense of presence and sense of place in perceiving a 3D geovisualization for communication in urban planning – Differences introduced by prior familiarity with the place ۲۰۲۱ Landscape and Urban Planning ۲۰۷

Virpi Lund¹, Hannele Kerosuo ۲۰۱۹ The reciprocal development of the object of common space and the emergence of the collective agency in residents' workshops ۲۰۱۹ Learning, Culture and Social Interaction ۲۲

<http://www.qudsonline.ir/news/۷۱۸۹۴۴>

Clary, M, R. ۲۰۱۸, The entrepreneuriality, University of Nevada, Las Vegas, Public administration Review, ۳۰۵pp.

Downer, Alexander, ۲۰۲۰, Good Governance (Guiding principles for implementation), Australia, Canberra Mailing Centre